

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال پانزدهم، شماره دوم

تابستان ۱۳۹۳، شماره مسلسل ۵۸

بایسته‌های تمدنی سبک زندگی اسلامی از دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام؛ بررسی موردی جایگاه نظارت اجتماعی

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۵

تاریخ تأیید: ۹۳/۱۱/۱۲

محمد برادران*

محمد رضا موسوی شوشتری**

یکی از شاخصه‌های مهم تمدن اسلامی، اسلامی بودن سبک زندگی است که نظارت اجتماعی می‌تواند به تحقق آن کمک کند. نظارت اجتماعی که در فقه اسلامی با عنوان امر به معروف و نهی از منکر شناخته می‌شود به‌عنوان ضامن بقای اسلام و واجبی که به سبب آن، اجرای همه واجبات صورت می‌پذیرد، معرفی شده است. این مقاله با رویکرد کاربردی می‌کوشد رابطه‌ای منطقی بین نظارت اجتماعی و ظهور، استمرار و انحطاط تمدن برقرار کند و با اثبات اهمیت و نقش تعیین کننده آن در هر یک از این حوزه‌های سه‌گانه، شواهد قرآنی و روایی دلالت کننده بر این موضوع را ارائه کند.

واژه‌های کلیدی: تمدن، سبک زندگی اسلامی، نظارت اجتماعی، امر به معروف،

نهی از منکر.

* دانشجوی کارشناسی ارشد تفسیر قرآن کریم دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مشهد

** استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مشهد

مقدمه

خداوند متعال، آخرین کتاب آسمانی و معجزه جاویدان رسول خدا ﷺ، یعنی قرآن کریم را برای هدایت انسان‌ها نازل کرده است. یکی از نیازهای ضروری مردم برای رشد معنوی و بهره‌وری از هدایت قرآن، فهم مقصود آیات الهی است. خداوند به منظور بهره‌مندی بهتر و درست مردم از قرآن کریم، رسول خویش را به عنوان مبین این کلام معرفی می‌کند^۱ و علم به تأویل قرآن کریم را مختص خویش و راسخان در علم می‌داند.^۲ به استناد بسیاری از روایت‌ها، راسخان در علم، رسول خدا ﷺ و امامان معصوم (ع) هستند.^۳

با توجه به عوامل پیدایش، شکوفایی و فروپاشی تمدن‌ها در قرآن کریم و روایت‌های اهل بیت (ع)، می‌توان در جهت پویایی، صیانت و پیش‌گیری از فروپاشی تمدن اسلامی چاره‌اندیشی کرد. نظارت اجتماعی که در فروع اسلامی با عنوان امر به معروف و نهی از منکر از آن یاد می‌شود در ظهور، استمرار و عدم فروپاشی جوامع و تمدن‌ها مؤثر است و ضامن بقای اسلام^۴ به عنوان تمدنی فراگیر خوانده می‌شود.

در این جا، این پرسش مطرح می‌شود که جایگاه نظارت اجتماعی، در بایسته‌های تمدنی زندگی اسلامی از دیدگاه اهل بیت (ع) چیست؟ و نقش و رابطه نظارت اجتماعی در ظهور، استمرار و نابودی تمدن اسلامی به چه میزان است؟

این مقاله می‌کوشد ضمن اشاره به جایگاه نظارت اجتماعی در سبک زندگی اسلامی از نگاه اهل بیت (ع)، نقش نظارت اجتماعی را در پیدایش، استمرار و فروپاشی تمدن اسلامی با رویکرد قرآنی - روایی و با روش کاربردی، بررسی و تحلیل کند. جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش، به روش کتابخانه‌ای است.

تا آن جا که جست‌وجو شد، مسئله نظارت اجتماعی، یکی از بایسته‌های تمدنی زندگی اسلامی از دیدگاه اهل بیت (ع)، در پیدایش و استمرار تمدن اسلامی به صورت مستقل

بحث و بررسی نشده است. با این حال در سال‌های اخیر، برخی از کتاب‌های حوزه سبک زندگی اسلامی و نظارت همگانی امر به معروف و نهی از منکر و یا مقاله‌های تخصصی، به صورت کلی به این موضوع پرداخته‌اند. برخی از این آثار عبارت‌اند از: عبدالله جوادی آملی، *مفاتیح الحیاة*؛^۵ حسین معصومی همدانی، *نظارت و کنترل از دیدگاه اسلام*؛^۶ علی قائمی، *جوان و نظارت اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر)*؛^۷ فرهاد امام‌جمعه، *دیدگاه جامعه‌شناختی درباره نظارت اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر و ابراهیم سید علوی، نظارت عمومی اسلامی*.^۸

۱. مفاهیم

پیش از شروع، بحث درباره سه واژه سبک زندگی، تمدن و نظارت اجتماعی در سه قالب مفاهیم، چیستی نظارت و اهمیت نظارت، ضروری به نظر می‌رسد.

الف) سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی مفهومی است که آدلر آن را ابداع کرد، ولی پیروان او و دیگران به تفصیل آن پرداخته‌اند. سبک زندگی، شیوه‌ای به نسبت ثابت است که فرد، اهداف خود را به آن طریق دنبال می‌کند؛ یعنی راهی است برای رسیدن به اهداف. به عبارت دیگر، سبک زندگی، بُعد عینی و کمیّت‌پذیر شخصیت افراد است.^۹

سبک زندگی اسلامی از آن جهت که سبک است به رفتار می‌پردازد و با شناخت و عواطف، ارتباط مستقیم ندارد ولی از آن جهت که اسلامی است، نمی‌تواند بی‌ارتباط با عواطف و شناخت‌ها باشد. سبک زندگی اسلامی نمی‌تواند به نیت‌ها کاری نداشته باشد و در عین حال که تأکید آن بر رفتار است، به عواطف و شناخت توجه دارد.^{۱۰}

جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، تعاریف گوناگونی از سبک زندگی ارائه می‌دهند. نکته‌ای که در بیشتر تعاریف‌ها موجب تمیز مفهوم سبک زندگی از مفاهیم مشابه مانند فرهنگ یا پاره فرهنگ، هویت، شخصیت و محدودسازی آن می‌شود، خلاقانه و گزینشی بودن اجزا و

عناصر سبک زندگی است. در نتیجه، سبک زندگی، مجموعه عناصری است که کم و بیش به طور نظام‌مند با هم ارتباط دارند و یک کل را پدید می‌آورند. همین اتحاد و نظام‌مندی، این کل را از کل‌های دیگر متمایز می‌کند.^{۱۱}

در واقع مفهوم سبک زندگی در رشته مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها، مدل‌ها و الگوهای کنش‌های هر فرد اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی باشد، ضمن آن‌که نشان‌دهنده چگونگی نظام باورها و کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه است. به عبارت دیگر، سبک زندگی دلالت بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش‌های مردم در هر جامعه دارد.

ب) تمدن

تمدن در لغت، مفهومی در تقابل با بدایت و بادیه‌نشینی است. معادل آن در عربی، حضارة است.^{۱۲} دهخدا/ تمدن را به معنای تعلق به اخلاق شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت، انس و معرفت، معنا می‌کند.^{۱۳} ویل دورانت در این باره می‌نویسد:

تمدن به شکل کلی آن، عبارت است از نظمی اجتماعی که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند.

وی برای تمدن، چهار رکن اساسی برمی‌شمارد:

پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، کوشش

در راه معرفت و بسط هنر.^{۱۴}

برخی دیگر، تمدن را در معنای کلی آن، مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی می‌دانند.^{۱۵} در هر حال، نظام‌مندی، بروز تمدن در مرحله متعالی حیات فرهنگی یک جامعه، قرین بودن آن با نظام‌های مشخص سیاسی، اجتماعی و شهرنشینی، برخی از مواردی است که می‌توان در همه تمدن‌ها مشاهده کرد.^{۱۶}

ج) نظارت اجتماعی

نظارت، اسم مصدر از ریشه نظر است. نظر؛ یعنی تأمل در چیزی با چشم یا حس کردن

با چشم^{۱۷} و توجه دادن چشم ظاهر و چشم باطن برای دیدن و ادراک چیزی که مقصود از این عمل، تأمل و تحقیق درباره آن است. همچنین مقصود از دیدن و تأمل، به دست آوردن معرفت و شناخت پس از تحقیق است و آن را رویه؛ یعنی اندیشه و تدبر گویند.^{۱۸} این لغت در معنای متفاوتی که در عین حال نزدیک به هم هستند، به کار رفته است. معنای اصلی آن، نگاه دقیق به چیزی اعم از مادی و معنوی است که یا با چشم سر یا با اندیشه صورت می‌گیرد.^{۱۹} بنابراین نظارت؛ یعنی یک نوع مراقبت و دیده‌بانی از کاری و جریان امور را زیر نظر داشتن.

در انواع تعریف‌های ارائه شده از نظارت و کنترل، تنها نقطه اشتراک موجود این است که نظارت، عبارت است از مقایسه میان آنچه هست و آنچه باید باشد.^{۲۰} امر به معروف و نهی از منکر که معادل آن در جامعه‌شناسی می‌تواند نظارت اجتماعی تعریف شود، در واقع گسترش فراگرد اجتماعی شدن است که با استفاده از روش‌هایی، افراد یاد می‌گیرند خود را با ارزش‌ها و باورهای پذیرفته شده جامعه‌ای خاص، هماهنگ سازند و اگر این سازوکار به درستی عمل کند، افراد با تأثیر و تأثر بر یکدیگر می‌توانند به یک تعدیل و توازن دست یابند.^{۲۱}

نظارت اجتماعی در ادامه فراگرد جامعه‌پذیری قرار می‌گیرد تا میان الگوهای رفتاری رایج در جامعه با هنجارهای فرهنگی موجود در آن، تعادل برقرار کند. بر این اساس، دین اسلام یکی از هنجارهای جاری را امر به معروف و نهی از منکر قرار داده که در دو قالب هنجار تجویزی و تحذیری نمود یافته است. نبود این عنصر اساسی، موجب نابودی یا بی‌سامانی نظام اجتماعی مسلمانان می‌گردد. چنان‌که در آیه‌های ۱۰۴ - ۱۱۰ سوره آل‌عمران چنین تعریف شده است.^{۲۲}

برخی دیگر، آن را مجموعه ابزارها و روش‌هایی که به وسیله آن، فرد وادار می‌شود، خود را با گروه معین یا تمام جامعه، منطبق و همراه نماید، تعریف می‌کنند. به عبارت دیگر، نظارت اجتماعی به سازوکارهایی اطلاق می‌شود که جامعه برای واداشتن اعضا به

سازش کاری و جلوگیری از ناسازش کاری به کار می‌برد.^{۳۳} در نتیجه، اصطلاح نظارت اجتماعی در معنای وسیع، عبارت است از هرگونه اثری که جامعه بر افراد می‌گذارد.^{۳۴}

۲. چیستی نظارت

نظارت، اعمال مراقبت و عملی انتخابی و آگاهانه است که آشکارا یا پنهانی در حوزه‌های مختلف زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی به منظور آگاهی از عملکرد نظارت‌شونده و جلوگیری از انحراف و اشتباه و حفاظت و صیانت از حقوق و آزادی‌ها، از راه ابزارها و شیوه‌های مختلف انجام می‌شود.^{۳۵}

ارکان نظارت عبارت هستند از: ناظر، هدف، نظارت‌شونده، برنامه و قالب.^{۳۶} سیر نظارت در اسلام، از ذات پاک خداوند^{۳۷} شروع می‌شود و پیامبران، امامان^{۳۸}، اعضای بدن انسان^{۳۹}، زمین^{۴۰} و زمان^{۴۱} مراحل بعدی این سیر هستند.

نظارت در نظام سیاسی و حقوقی اسلام، هم حق و هم تکلیف است. به همین سبب، هیچ فردی در جامعه اسلامی نمی‌تواند اعمال این حق را از خود بگیرد و بگوید من از حق نظارتی خویش بر دولت و چگونگی جریان امور صرف نظر می‌کنم؛ زیرا در این صورت، چنین شخصی به تکلیف الهی خویش عمل نکرده است.^{۴۲} نظارت سیاسی در متون دینی به طور مشخص بر دو محور امر به معروف و نهی از منکر و لزوم نصیحت حاکمان و خیرخواهی آنان استوار است.^{۴۳}

۳. اهمیت نظارت

فرد مسلمان بر اساس آموزه‌های قرآنی^{۴۴}، همواره خود را زیر نظر خداوند می‌داند. در اسلام بر امر نظارت و مراقبت، چه در بعد فردی که مراقبت و مواظبت بر خویش است و چه در بعد اجتماعی و سیاسی که درگیر با پدیده قدرت است، همواره به عنوان یک ضرورت انکارناپذیر توجه می‌شود. براین اساس، قدرت بدون کنترل و مراقبت، به فساد

خواهد انجامید. در قرآن کریم به بعد فردی،^{۳۵} اجتماعی^{۳۶} و سیاسی^{۳۷} نظارت اشاره شده است.

توجه به دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر، کم‌هزینه‌ترین روش اصلاح جامعه است. هیچ سازمان و دستگاه گسترده‌ای با صرف بالاترین هزینه‌ها به اصلاح جامعه و کنترل افراد موفق نخواهد شد اما این دو فریضه به عنوان دو تکلیف حیاتی و اساسی، با لحاظ شرایط و مراتب آن، می‌توانند با کمترین هزینه از خانواده تا کل جامعه را اصلاح کنند.^{۳۸}

بدین ترتیب ضروری است، مدیران جامعه، بر نوع نظارت و کنترل از دیدگاه مدیریت اسلامی و توصیه‌های مدیریتی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر^{۳۹} توجه کنند و نظارت خدا بر اعمال و کردار انسان و خود نظارتی در جامعه، جای‌گزین روش‌های غربی گردد.^{۴۰}

۴. بایسته‌های تمدنی زندگی اسلامی

اگر تمدن را شامل مجموعه پیچیده‌ای از پدیده‌های اجتماعی جای‌گزین شونده و دربردارنده جنبه‌های مذهبی، اخلاقی، زیباشناختی، فنی یا علمی و مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع و یا چندین جامعه مرتبط با یکدیگر بدانیم، باید بایسته‌های تمدنی زندگی اسلامی را در احکام و روابط اجتماعی آموزه‌های اسلامی جست‌وجو کنیم.^{۴۱}

آیت‌الله جوادی آملی در *مفاتیح‌الحیة*، شئون دنیایی به ویژه امور اجتماعی بندگان را با آموزه‌های وحیانی بررسی می‌کند. صله رحم، رعایت حقوق برادران دینی، شیوه تعامل با اهل کتاب، حمایت مالی از مستضعفان، حُسن خُلق و معاشرت، عیادت از بیمار، حرمت نهادن به پیران، یتیم‌نوازی، قرض دادن، یاری رساندن به آسیب‌دیدگان حوادث طبیعی، کمک به مسافران، اتحاد و همبستگی مسلمانان، امنیت عمومی و دوری از هرج‌ومرج، قیام در برابر ظالم، قانون‌گرایی، دعوت به خیر و نیکی، شهادت دادن، میانجی‌گری در کار

خیر، دفاع از مظلومان، امر به معروف و نهی از منکر (نظارت اجتماعی)، امانت‌داری، صدقه، حفظ و بهداشت محیط زیست، برخی از بایسته‌های تمدنی زندگی اسلامی از دیدگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) است.^{۴۲}

در این میان، امر به معروف و نهی از منکر، جایگاهی ویژه دارد که در ادامه، به رابطه آن با پیدایش، استمرار و فروپاشی تمدن می‌پردازیم.

۵. نقش نظارت اجتماعی در بایسته‌های تمدنی زندگی اسلامی

هر مسلمان به سبب نقشی که در تعیین سرنوشت جامعه دارد باید ناظر و مراقب همه اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می‌افتد. این مطلب در فقه اسلامی با عنوان امر به معروف و نهی از منکر، مطرح می‌شود و از مبانی مهم سیاست یک مسلمان خوانده می‌شود.^{۴۳} هم‌چنین از مهم‌ترین فریضه‌هایی است که وجوب کفایی آن، از ضروریات دین شناخته می‌شود^{۴۴} و ضامن بقای اسلام^{۴۵} است.^{۴۶}

بایسته‌های تمدنی زندگی اسلامی، بیشتر ناظر به احکام اجتماعی اسلام است؛ زیرا تمدن در بستر شهرنشینی، حکومت و اجتماع تحقق می‌یابد. مردم به همان دلیل که از حق حاکمیت برخوردارند، حق نظارت بر حاکمان را دارند؛ زیرا حکومت به عنوان امانت در اختیار افراد قرار می‌گیرد.

امر به معروف و نهی از منکر، نوعی قرنطینه روحی در برابر عیب‌ها و گناهان سرایت‌کننده است. این دو فریضه، نوعی انضباط اجتماعی هستند؛ یعنی محدود به گرایش‌های اشخاص در برابر مصالح جامعه، با منکرهایی بسیار نکوهیده چون غیبت یا دروغ و بدرفتاری با دیگران نمی‌شود. در زندگی اجتماعی، هدف از نظارت، سالم‌سازی محیط زندگی، خیرخواهی، رشد و بالندگی است که از نظر اسلام، یک وظیفه و از نشانه‌های امر به معروف و نهی از منکر خوانده می‌شود و یکی از امتیازهای امت اسلامی قلمداد می‌گردد.^{۴۷} در نتیجه، نظارت اجتماعی را می‌توان از احکام والای اسلام و به عنوان شاه کلید

اجرای احکام دانست که نه تنها قفل بایسته‌های تمدنی زندگی اسلامی با آن باز می‌شود، بلکه در بستر آن، پیدایش، استمرار و عدم فروپاشی تمدن اسلامی رخ خواهد داد.

۶. رابطه نظارت اجتماعی با دیگر گونی‌های سه گانه تمدن اسلامی

مجموعه معارف اسلامی و مبانی نظارت را در سه بخش اعتقادات، اخلاق و احکام می‌توان جست‌وجو کرد. در جامعه اسلامی برخلاف جوامع غیردینی، عوامل نظارت، پیرو جامعه عمل نخواهند کرد و در مواردی، حتی با هنجارها و قواعدی که بیشتر جامعه به آنها عمل می‌کنند به مبارزه برمی‌خیزند و آنها را تغییر می‌دهند.

در واقع، هدف از نظارت اجتماعی در جامعه اسلامی، مبارزه، اصلاح و تغییر قوانین و هنجارهای - مغایر با سعادت واقعی انسان و تشویق و ترغیب به اجرای هنجارهای متناسب با این هدف است.^{۴۸} در ادامه با اشاره به آیه‌ها و روایت‌ها، نقش نظارت اجتماعی را در ظهور، استمرار و انحطاط تمدن اسلامی، تبیین و تحلیل می‌کنیم.

الف) ظهور تمدن

به‌طور کلی اگر آیه‌های قرآن را در موضوع امر به معروف و نهی از منکر بررسی کنیم، به سیر منطقی آن دست خواهیم یافت. این دو واجب الهی، از ذات پاک خداوند صادر شده است.^{۴۹} پس از آن، پیامبران،^{۵۰} حاکمان صالح (امامان علیهم‌السلام)،^{۵۱} هیئت‌های امر به معروف و نهی از منکر^{۵۲} و مجموعه امت،^{۵۳} حلقه‌های بعدی این سیر در قرآن هستند.

اگر ظهور تمدن اسلامی را هم‌زمان با بعثت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بدانیم، نظارت اجتماعی به معنای عام خود، همان‌گونه که در آیه «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^{۵۴} آمده است، یکی از وظایف و شئون رسالت برای ایجاد تمدن اسلامی است.

مهم‌ترین اقدام اولیه رسول اکرم (ص) برای نهادینه کردن دین و امور شرعی یا گرامی‌داشت هنجارها و ارزش‌های منطبق با آموزه‌های قرآنی، اجرای دقیق نظارت اجتماعی بود. رسول اکرم (ص) با دو روش یا اقدام رسمی و غیررسمی به ایجاد نظم اجتماعی مبتنی بر هنجارهای مناسب اسلامی و به تبع آن، اجرای نظارت اجتماعی موفق شد.

پیامبر اکرم (ص) با خلق ارزش‌های اسلامی و ایجاد هنجارهای اجتماعی، ضمن تبدیل روحیه فردگرایی به جمع‌گرایی اسلامی، عوامل مهم کنترل فردی و جمعی و به دنبال آن، نظارت فردی و اجتماعی را محقق نمود.^{۵۵}

ب) استمرار تمدن

چنان‌که اشاره شد، نظارت اجتماعی نه تنها در ایجاد، بلکه در استمرار تمدن اسلامی نقش بسزایی دارد که آثار آن در دو حوزه فردی و اجتماعی تأمل برانگیز است.

حوزه فردی

امروزه، خود ارزشیابی، یکی از مراتب خودشناسی در آموزه‌های اسلامی است. این امر می‌تواند انسان را در جهت کمال یاری دهد و او را به مقام واقعی خود ارتقا بخشد. عبارت «فَحَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا»^{۵۶} ناظر به این معنا است. بنابر این روش، انسان باید در مسیر رشد و تکامل خویش، بر اعمال و رفتارش نظارت و کنترل داشته باشد.

این کنترل که نتیجه نظارت الهی است، کنترلی درونی است که از آن به نفس لوّامه^{۵۷} تعبیر می‌شود. منظور از نفس لوّامه، نفس مؤمن است که همواره در دنیا او را به خاطر گناهان و سرپیچی از اطاعت خدا سرزنش می‌کند و در روز قیامت به او سود می‌رساند.^{۵۸} سلامتی دین و دنیا،^{۵۹} فلاح و رستگاری،^{۶۰} جانشینی رسول خدا (ص)،^{۶۱} شرکت در ثواب دیگران^{۶۲} و نجات از بلا و عذاب^{۶۳} از آثار حوزه فردی نظارت اجتماعی هستند.

حوزه اجتماعی

مطالعه در تاریخ حسبه و احتساب معلوم می‌کند در قدیم، شعاع دید مسلمانان، امتداد

بیشتری داشته است و امر به معروف و نهی از منکر، محدود به چند مسئله عبادی نمی شده است. بلکه این اصل، ضامن عملی همه اصلاحات اخلاقی و اجتماعی شناخته می شده است.

در اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با اشاره به آیه « وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْتُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ »^{۶۴} مقرر شده است که دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده مردم در برابر یکدیگر، دولت در برابر مردم و مردم در برابر دولت است. در ادامه به برخی از آثار عمل به دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر اشاره می کنیم.

۱. احیای ارزش‌ها

نظارت اجتماعی فعال و مستمر، نه تنها از کم‌رنگ شدن ارزش‌ها در جامعه پیش‌گیری می کند، بلکه زمینه گسترش همه‌جانبه آن را فراهم می سازد.^{۶۵} روایت‌های اهل بیت علیهم‌السلام شاهد این امر است. امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام در این باره می فرماید:

آن‌گاه که این فریضه ادا و به پا داشته شود، تمامی واجبات آسان و سخت، برپا داشته خواهد شد.^{۶۶}

هم‌چنین امام باقر علیه‌السلام، امر به معروف و نهی از منکر را فریضه بزرگی معرفی می کند که به وسیله آن، دیگر فریضه‌ها برپا می شود.^{۶۷}

۲. عدالت اجتماعی

نظارت عمومی بر حسن اجرای احکام اسلام، زمینه فراگیری عدالت اجتماعی را فراهم می سازد؛ چراکه با نظارت جدی و همگانی، ثروت در جامعه تعدیل و زندگی عادلانه برای قشرهای مختلف جامعه تأمین می گردد.^{۶۸} امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام در این باره می فرماید:

این فریضه با برگرداندن مظالم به صاحبان حقیقی آن و مخالفت با ستمکاران

زورگو همراه است و به تقسیم عادلانه بیت‌المال و غنائم می‌انجامد، هم‌چنان که این فریضه، زمینه جمع‌آوری صدقات شرعی - مالیات - مصرف آن در مواضع خود را فراهم می‌آورد.^{۶۹}

۳. اقتدار جامعه

شکل‌گیری خودجوش گروه‌هایی در میان مسلمانان برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر^{۷۰}، زمینه‌ساز وحدت و همدلی است که یکی از ثمره‌های آن، اقتدار و عزت جامعه اسلامی خواهد بود. امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه‌السلام) امر به معروف را تقویت‌کننده مؤمن و ناهی از منکر را مانند کسی می‌داند که بینی کافر را به خاک مالیده است.^{۷۱}

۴. آبادانی و سازندگی

هنگامی که نظارت اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر در جامعه صورت گیرد، آبادانی، یکی از نتایج آن خواهد بود. تعبیر «تعمیر الأرض»^{۷۲} در برخی روایت‌های مرتبط با این دو فریضه، ناظر به این موضوع است.

۵. برقراری امنیت

امنیت درونی و بیرونی - دو بعد برقراری امنیت در جامعه است. هر جامعه در امر پویایی خود، نیاز به آرامش و امنیت در حوزه‌های اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دارد. مهم‌ترین راه تأمین امنیت در جامعه اسلامی، اجرای صحیح و مستمر امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا در پرتو اندیشه‌های صحیح اسلامی، فرهنگ و اعتقادات مردم از انحراف‌ها در امان می‌ماند و دست چپاول‌گران از بیت‌المال کوتاه خواهد شد و در نتیجه امنیت اقتصادی برقرار می‌گردد. هم‌چنین مرزهای کشورهای اسلامی حفظ خواهد شد.^{۷۳}

امام باقر (علیه‌السلام) در حدیثی جامع، ضمن بیان نتایج دو فریضه یاد شده، به مسئله برقراری امنیت، داد و ستد حلال و انتقام از دشمنان اشاره می‌کند.^{۷۴}

ج) عدم انحطاط تمدن

رابطه منطقی ترک دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر با انحطاط تمدن‌ها در دو

حوزه فردی و اجتماعی بررسی و تحلیل می‌شود اما چون مباحثی که درباره تمدن مطرح می‌شود، از جنس اجتماع است و امر به معروف و نهی از منکر از احکام اجتماعی اسلام خوانده می‌شود، پس از اشاره‌ای گذرا به حوزه فردی، به حوزه اجتماعی می‌پردازیم.

حوزه فردی

نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشد، سبب می‌شود که او ناظر و مراقب همه اموری باشد که مربوط به او است و پیرامون وی اتفاق می‌افتد. قرآن کریم در بیان صفات ممتاز مؤمنان می‌فرماید:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ

الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ. ۷۵

بر اساس این آیه، افراد مؤمن به سرنوشت یکدیگر علاقه‌مندند و مانند یک پیکر هستند. پیوند سرنوشت‌ها سبب می‌شود سربلندی و انحراف یک فرد، در کل جامعه اثر بگذارد. چنان‌که یک بیماری واگیردار در صورتی که درمان نشود، از فرد به جامعه سرایت و سلامت آن را تهدید می‌کند.^{۷۶}

با توجه به معنایی که از تمدن ارائه شد، ترک دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر در حوزه فردی سبب بی‌توجهی افراد به یکدیگر می‌شود و در نتیجه تمدن اسلامی به انحطاط نزدیک می‌گردد.

انحطاط شخصیت،^{۷۷} تضعیف ایمان،^{۷۸} محروم شدن از قرب الهی،^{۷۹} شرکت در گناه دیگران^{۸۰} و محکوم شدن به لعن و نفرین خدا^{۸۱} از دیگر پی‌آمدهای فردی ترک این دو فریضه است که بیشتر ناظر به حوزه آخرتی تمدن است.^{۸۲}

حوزه اجتماعی

بنابر آموزه‌های دینی درباره دو اصل امر به معروف و نهی از منکر، می‌توان گفت که اسلام با نگرشی جامعه‌گرایانه می‌خواهد همه افراد جامعه اسلامی به گونه‌ای تربیت شوند که در برابر یکدیگر احساس مسئولیت کنند؛ زیرا مصالح و سعادت دنیا و آخرت افراد

جامعه به یکدیگر مرتبط است.^{۸۳} جامعه، واحدی به هم پیوسته است و بدیهی است نوع رفتارها در واحدی اجتماعی، اخلاق عمومی جامعه را به وجود می‌آورد؛ چراکه تأثیر و تأثر متقابل در واحدهای اجتماعی، امری گریزناپذیر است.^{۸۴}

یکی از آسیب‌های بزرگ اجرای امر به معروف و نهی از منکر و موانع فراگیری آن در جامعه اسلامی، توکل است. امام رضا (ع) در این باره می‌فرماید:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ
فَلْيَأْذَنُوا بِوِقَاعِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى. ۸۵

توکل درباره امر به معروف و نهی از منکر، به معنای موکول کردن انجام دادن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر به یکدیگر، به هم سپردن، یکدیگر را نماینده قرار دادن و به هم حواله دادن است.^{۸۶} اکنون به برخی از پی‌آمدهای ترک این دو فریضه و ارتباط آنها با انحطاط تمدن‌ها می‌پردازیم.

۱. تسلط اشرار

ترک کنترل اجتماعی، اول موجب رشد نیروهای کج‌رو و ناهم‌نوا در لایه‌های مدیریتی جامعه می‌شود و دوم سبب بی‌توجهی به هم‌نوایان می‌گردد و در نتیجه، آنها منزوی می‌شوند.^{۸۷} برای تبیین این موضوع به کلام امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) درباره یکی از آسیب‌های اجتماعی ترک نهی از منکر اشاره می‌شود. آن حضرت (ع) در این باره فرمود:

امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید، در غیر این صورت، بدترین شما

بر شما حاکم می‌شوند.^{۸۸}

با استفاده از این کلام امیرمؤمنان حضرت علی (ع)، تأثیر مستقیم ترک این دو فریضه را در حوزه اجتماعی و حکومت که اداره امور عمومی اجتماع را در دست دارد، درمی‌یابیم. حاکمان ظالم و فاسق، بزرگ‌ترین عامل منکرها و سرمنشأ همه بدی‌ها هستند. در چنین جامعه‌ای، منکر اساسی، خود حاکم است که پیش از هر منکر جزئی، باید به این منکر

پرداخت.

برای نمونه، در جامعه‌ای که اقتصاد با توجه به فرمان‌های حکومت، بر اساس ربا می‌چرخد، نهی کردن مردم از حرام‌خواری، نتیجه مطلوب ندارد. در نتیجه، تمدن اسلامی که برترین شاخصه آن، اسلامی بودن سبک زندگی و قوانین آن است، فراموش می‌شود و انحطاط تمدن اسلامی را شکل می‌دهد. بدین ترتیب، نظام یک جامعه باید اصلاح شود تا در سایه آن بتوان به منکرها و معروف‌ها پرداخت و راه اصلاح نظام، انتخاب فردی اصلاح جهت حکمرانی و اداره جامعه است.

۲. زوال نعمت و برکت

دنیای آفرینش با اجزای گوناگون خود، واحدی به هم پیوسته است و مانند اعضای یک پیکر، بیماری و سلامت هر عضوی در دیگر اعضای آن تأثیر دارد. چنان‌که اگر در حرکت بخشی از اجزای این پیکر، اختلالی پیش آید، اثرش در دیگر اعضای آن نمایان می‌گردد. قرآن کریم در آیه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»^{۸۹} به پیوند تأثیر ایمان و مجموعه رفتارهای خداپسندانه انسان بر حرکت زمین و آسمان اشاره می‌کند. نقطه مقابل آن؛ یعنی ترک امر به معروف و نهی از منکر، به محروم شدن از برکات الهی می‌انجامد.^{۹۰} رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره می‌فرماید:

لا يزال الناس بخير ما أمروا الا بالمعروف و نهوا عن المنكر و تعاونوا على

البر، فإذا لم يفعلوا ذلك نزعنا عنهم البركات. ۹۱

۳. عذاب و هلاکت همگانی

از آیات «فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةَ يَنهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ»، «وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ»^{۹۲} فهمیده می‌شود که خداوند، جامعه‌ای را تا آن هنگام که به دنبال اصلاح خویش باشند، هلاک و نابود نخواهد ساخت اما زمانی که ویژگی اصلاح‌گرایی رو به نابودی نهاد، نابودی جامعه را در پی خواهد داشت.

این سنت در همه قرن‌ها و جوامع جاری است. جامعه به کشتی‌ای می‌ماند که سرنشینان آن، سرنوشتی یکسان دارند. اگر یکی از سرنشینان آن، قصد خراب کردن آن را داشته باشد، به همه آسیب می‌رساند. ارتکاب گناهان و نهی نشدن امت‌های گذشته به وسیله علما و پایمال کردن امر به معروف و نهی از منکر، از عوامل نزول عذاب و هلاکت همگانی است.^{۹۳} پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید:

إِنَّ الْمَعْصِيَةَ إِذَا عَمِلَ بِهَا الْعَبْدُ سَرًّا لَمْ يَضُرَّ إِلَّا عَامِلَهَا، فَإِذَا عَمِلَ بِهَا عَلَانِيَةً وَ لَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ أُضْرَتْ بِالْعَامَّةِ. ۹۴

بنابر این حدیث، حضرت رسول (ص) نظارت همگانی را تکلیف همگان می‌داند که از پیوند سرنوشت افراد در جامعه سرچشمه می‌گیرد. داستان قوم ثمود در قرآن کریم^{۹۵} بیان‌کننده مجازات همگانی است. امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرَّضَىٰ وَ السَّخَطُ وَ إِنَّمَا عَقَرْنَا نَاقَةَ ثَمُودَ رَجُلٍ وَاحِدٍ فَعَمَّهِمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمَّوهُ بِالرَّضَىٰ فَقَالَ فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ ۹۶.

۴. طمع بیگانگان

هنگامی که با ترک امر به معروف و نهی از منکر، زمینه سلطه ناهلان بر جامعه فراهم آید، دشمنان و بیگانگان که همواره طمع در سرمایه کشورهای اسلامی دارند، اوضاع را مساعد می‌بینند و به بهانه‌های گوناگون، کشور و مردم را استعمار می‌نمایند و فرهنگ، عقاید و اقتصاد مردم را چپاول می‌کنند.^{۹۷} امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ لَوْ لَمْ تَتَّخِذُوا عَنْ نَصْرِ الْحَقِّ وَ لَمْ تَهْتِنُوا عَنْ تَوْهِينِ الْبَاطِلِ لَمْ يَطْمَعْ فِيكُمْ مَنْ لَيْسَ مِثْلَكُمْ وَ لَمْ يَقْوِ مِنْ قَوِي عَلَيْكُمْ. ۹۸.

در این عبارت، حضرت علی (ع) علت این شرایط را در سستی مخاطبان در یاری حق و از بین بردن باطل می‌داند.

۵. دگرگونی ارزش‌ها

یکی از آثار خطرناک ترک امر به معروف و نهی از منکر، تضعیف، نابودی و دگرگونی ارزش‌های اسلامی است. این موضوع با تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی رابطه تنگاتنگی دارد؛ زیرا تهاجم و شبیخون، با هدف ضربه زدن به ارزش‌ها و در نهایت، دگرگونی آن و در نتیجه، نفوذ دشمنان و حکومت اشراک شکل می‌گیرد.^{۹۹} پای‌بند نبودن به ارزش‌ها و باورها، عامل بازدارنده پویایی و توسعه جامعه است و در این صورت، سازوکار نظارت اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند مانع افرادی شود که پای‌بند نیستند و توسعه و پویایی را برای جامعه اسلامی به ارمغان آورد.^{۱۰۰}

زمینه‌های دگرگونی ارزش‌های اسلامی

همان‌گونه که اشاره شد، تأثیر و تأثر متقابل در اجتماع، امری گریزناپذیر است. رفتارهای ناشایست، هوای مسموم بر فضای زندگی و سبک زندگی مردم تحمیل می‌کند و نیاز به نهی از منکر را آشکار می‌سازد؛ زیرا با بروز منکر در جامعه و پیش‌گیری نکردن از آن، زشتی گناه می‌ریزد و به تدریج، جسارت مردم در دامن زدن به گناهان افزون می‌گردد.^{۱۰۱} رابطه اجتماعی با عدم پای‌بندی به ارزش‌ها و باورهای اسلامی، رابطه‌ای دیالکتیک است و اثر متقابل بر یکدیگر دارد. در صورت وجود نظارت اجتماعی، پای‌بندی به ارزش‌ها و باورها وجود دارد و بالعکس.^{۱۰۲}

زوال قبح گناه

از بین رفتن زشتی گناه بر اثر گرایش تدریجی به سمت گناهان و جرئت یافتن بر انجام گناه شکل می‌گیرد؛ زیرا با ترک امر به معروف، گرایش به سمت گناه که ریشه در نفس اماره انسان دارد،^{۱۰۳} تقویت و تشویق می‌گردد و با حضور نیافتن نیروهای مدافع ارزش‌های مکتبی، جرئت بر انجام گناه، ایجاد و تقویت می‌شود.^{۱۰۴}

گرایش به فرهنگ بیگانگان و از خود بیگانگی

چنان‌که در معنای تمدن گفتیم، رابطه تنگاتنگ آن با فرهنگ انکارناپذیر است و حتی برخی این دو را به یک معنا می‌دانند.^{۱۰۵} درهرحال، خلاقیت فرهنگی و مجموعه مشترکی

از اندیشه‌ها و دست‌آوردهای جامعه انسانی، در معنای فرهنگ نهفته است که در بستر تمدن تجلی می‌یابد. در لایه‌بندی ابعاد جامعه از محسوس به نامحسوس به ترتیب، اقتصاد، سیاست، اجتماع و فرهنگ قرار دارد. لایه زیرین جامعه، فرهنگ است که به معنویات نزدیک‌تر از مادیات است. بنابراین، اگر اصلاح فرهنگ صورت گیرد، سعادت‌مندی جامعه را تضمین خواهد کرد. به همین دلیل، در وابستگی کشورها به قدرت‌های جهانی، عمیق‌ترین نوع وابستگی، وابستگی فرهنگی است.^{۱۰۶}

قرآن کریم به مسلمانان هشدار می‌دهد، دشمنان اسلام را به عنوان دوست و رفیق انتخاب نکنند و به سمت آنها نگرینند.^{۱۰۷} قرآن کریم علت این امر را دشمنی پایدار و نبود هیچ‌گونه منفعت برای اسلام و مسلمانان می‌داند.^{۱۰۸} توجه ویژه قرآن کریم به عدم گرایش به فرهنگ بیگانه، نشان دهنده جلوگیری از انحطاط تمدن اسلامی است؛ زیرا این گرایش، زیربنای همه ارکان تمدن اسلامی، مانند یکتاپرستی، عدالت و آزادی تعقل را با تردید مواجه می‌سازد و مسلمانان را به ضد بودن با مبانی و چهارچوب فکری اندیشه اسلامی وا می‌دارد. در نتیجه، تمدن اسلامی به انحطاط درونی خواهد رسید.

به این ترتیب، پیروی از فرهنگ بیگانه از یک‌سو و قرین بودن تمدن با نظام‌های اجتماعی و سیاسی از سویی دیگر، تضعیف اعتقادی و سیاسی جامعه را در بر خواهد داشت.^{۱۰۹} نتیجه این که نداشتن برنامه‌ریزی مناسب برای استمرار اجتماعی شدن و نظارت‌های اجتماعی، راه را برای فراگیری و گسترش ناپهنجاری‌ها و در پی آن جای‌گزینی فرهنگ بیگانه فراهم می‌سازد.^{۱۱۰}

عیب نهادن بر تعهد و پای‌بندی به ارزش‌های مکتبی

بدیهی است هنگامی که قبح گناه از بین برود و به سمت فرهنگ دشمنان اسلام گرایش پیدا شود، پای‌بندی به ارزش‌های اسلامی مانند امر به معروف و نهی از منکر، نابود می‌گردد و این تعهد و پای‌بندی، عیب و زشت خوانده می‌شود.^{۱۱۱} به این مطلب در روایت‌ها تأکید شده است.^{۱۱۲}

بدتر این که در چنین صورتی نه تنها از نظر اعتقادی، امر به معروف و نهی از منکر را ترک می‌کنند و زشت می‌خوانند، بلکه عکس آن عمل می‌کنند و امر به منکر و نهی از معروف می‌نمایند. قرآن کریم این عمل را از خصوصیات منافقان می‌داند.^{۱۱۳} هم‌چنین قرآن، شیطان را که دشمن آشکار انسان است،^{۱۱۴} امر به منکر معرفی می‌کند^{۱۱۵} و به انسان دستور می‌دهد که از او پیروی نکند.^{۱۱۶}

نتیجه

مهم‌ترین دست‌آوردهای این پژوهش، عبارت هستند از:

۱. امر به معروف و نهی از منکر که معادل آن در جامعه‌شناسی، نظارت اجتماعی تعریف می‌شود، گسترش فراگرد اجتماعی شدن است که افراد با استفاده از روش‌هایی یاد می‌گیرند، خود را با باورها و ارزش‌های پذیرفته شده جامعه‌ای خاص تطبیق دهند. اگر این سازوکار به درستی عمل کند، افراد با تأثیر و تأثر بر یکدیگر به تعدیل و توازن دست می‌یابند.

۲. اگر ظهور تمدن اسلامی را هم‌زمان با بعثت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بدانیم، نظارت اجتماعی به معنای عام خود، همان‌گونه که در آیه ۱۵۷ سوره اعراف آمده است، یکی از وظایف و شئون رسالت برای ایجاد تمدن اسلامی است. مهم‌ترین اقدام اولیه حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برای نهادینه کردن دین و امور شرعی یا گرامی‌داشت هنجارها و ارزش‌های منطبق با آموزه‌های قرآنی، اجرای دقیق نظارت اجتماعی بود. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با دو روش یا اقدام رسمی و غیررسمی به ایجاد نظم اجتماعی مبتنی بر هنجارهای مناسب اسلامی و به تبع آن، اجرای نظارت اجتماعی موفق شد.

۳. سلامت دین و دنیا، فلاح و رستگاری، جانشینی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، شرکت در ثواب دیگران و نجات از بلا و عذاب، از آثار حوزه فردی است. و هم‌چنین، احیای ارزش‌ها، عدالت اجتماعی، اقتدار جامعه، عمران، سازندگی و برقراری امنیت از آثار اجتماعی نظارت

اجتماعی در استمرار تمدن است.

۴. رویکرد قرآنی - تاریخی به مسئله ترک امر به معروف و نهی از منکر و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، نشان دهنده اهمیت فراوان این مسئله در انحطاط تمدن‌ها است. برخی روایت‌ها، تنها عامل دوری از رحمت امت‌های گذشته را ترک این دو فریضه عنوان می‌کند.

بی‌توجهی افراد به یکدیگر، از دست دادن شخصیت انسانی و دینی، تضعیف ایمان، محروم شدن از قرب الهی، شرکت در گناه دیگران و محکوم شدن به لعن و نفرین خدا از پی‌آمدهای فردی ترک دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر است و بیشتر ناظر به حوزه آخرتی تمدن است. هم‌چنین تسلط اشرار، زوال نعمت و برکت، نزول عذاب و هلاکت همگانی، افزایش طمع بیگانگان و دگرگونی ارزش‌ها از پی‌آمدهای اجرا نشدن دو واجب الهی امر به معروف و نهی از منکر در حوزه اجتماعی است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. نمل (۲۷) آیه ۴۴.
۲. آل عمران (۳) آیه ۷.
۳. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ هـ. ق، ج ۱، ص ۲۱۳.
۴. همان، ج ۵، ص ۵۶.
۵. عبدالله جوادی آملی، مفاتیح‌الحیاء، بی‌جا: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۱.
۶. حسین معصومی همدانی، نظارت و کنترل از دیدگاه اسلام، بی‌جا: سروش هدایت، ۱۳۷۸.
۷. علی قائمی، جوان و نظارت اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر)، بی‌جا: ستاد امر به معروف و نهی از منکر سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۲.
۸. ابراهیم سید علوی، نظارت عمومی اسلامی، بی‌جا: شرکت انتشار، ۱۳۴۷.
۹. آلفرد آدلر، روان‌شناسی فردی، ترجمه حسن زمانی شرفشاهی، بی‌جا: تصویر، ۱۳۷۰، ص ۸۹ - ۹۰.
۱۰. محمد کاویانی، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲، ص ۱۸.
۱۱. همان، ص ۳۵.
۱۲. محمد بن مکرم ابن‌منظور، لسان‌العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ هـ. ق، ج ۴، ص ۱۹۷.
۱۳. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، به کوشش غلامرضا ستوده و دیگران، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۷۸۰.

۱۴. ویلیام جیمز دورانت، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳.
۱۵. علی شریعتی، *تاریخ تمدن*، تهران: دفتر تدوین و تنظیم آثار دکتر علی شریعتی، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۵، ۶.
۱۶. علی الهی تبار، *علل انحطاط مسلمین از دیدگاه شهید مطهری و دکتر شریعتی*، قم: معارف، ۱۳۹۱، ص ۲۴.
۱۷. ابن منظور، *بیشین*، ج ۵، ص ۲۱۵.
۱۸. حسین بن محمد راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ هـ. ق، ص ۸۱۲.
۱۹. حسن مصطفوی، *التحقیق فی کلمات القرآن*، چاپ سوم، بیروت، قاهره، لندن: دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۰ هـ. ق، ج ۱۲، ص ۱۶۶.
۲۰. ابوطالب خدمتی، «نظارت و بازرسی در اسلام»، *نشریه معرفت*، ۱۳۷۷، شماره ۲۷، ص ۴۷ - ۵۶.
۲۱. علی نقی ایازی، «سازمان نظارت اجتماعی در سیره رضوی»، *مجموعه مقالات برگزیده همایش بررسی جلوه‌های عملی و نظری امریه معروف و نهی از منکر در سیره رضوی*، ۱۳۹۱، ص ۳۲.
۲۲. همان، ص ۳۳ - ۳۴.
۲۳. بروس کوئن، *درآمدی بر جامعه‌شناسی*، ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۱ - ۱۵۲.

۲۴. سعید امیرکاوه، نظارت اجتماعی، معرفت، ۱۳۷۶، شماره ۲۱، ص ۴۳.
۲۵. حسین جوان آراسته، چاپ ششم، حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام، قم: معارف، ۱۳۸۸، ص ۱۸۱؛ همو، گزینش رهبر و نظارت بر او در نظام جمهوری اسلامی ایران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
۲۶. محمدحسن روزبه، نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۳، ص ۴۲.
۲۷. بقره (۲) آیه ۲۸۴.
۲۸. نساء (۴) آیه ۴۱.
۲۹. ق (۵۰) آیه ۲۱.
۳۰. زلزال (۹۹) آیه ۱، ۴.
۳۱. کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۵۲۳.
۳۲. حسین جوان آراسته، پیشین، ص ۱۶۴ و ۱۶۵.
۳۳. نهج البلاغه، خطبه ۳۴.
۳۴. انعام (۶) آیه ۵۹.
۳۵. علق (۹۶) آیه ۶ و ۷.
۳۶. آل عمران (۳) آیه ۱۰۴، ۱۱۰.
۳۷. توبه (۹) آیه ۱۰۵.
۳۸. احمدرضا بسیج و دیگران، نظارت نخبگان، شهرکرد: سدره المنتهی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۲.
۳۹. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۴۰. محمدعلی تصدیقی، الگوی نظارت در جامعه دینی با تأکید بر نظارت همگانی (امریه معروف و نهی از منکر)، مهندسی فرهنگی، ۱۳۸۸، شماره ۳۱ و ۳۲، ص ۳۸.
۴۱. فقهای امامیه در کتاب‌های فقهی به احکام عبادی - فردی و اجتماعی در ابواب گوناگون از طهارت تا دیات پرداخته‌اند. برای نمونه، آیت‌الله محمدحسن نجفی در *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام* در ۴۳ جلد، همه ابواب فقه را بررسی کرده است. احکام ابوابی مانند خمس، زکات، جهاد، بیع، دیون، وصیت، ارث، نکاح، غضب، قصاص، دیات و حدود و تعزیرات، برخی از احکام اجتماعی اسلام است که به ابعاد تمدنی زندگی اسلامی ارتباط دارد.
۴۲. ن.ک: عبدالله جوادی آملی، پیشین، ص ۲۰۹، ۶۹۰.
۴۳. احمدرضا بسیج و دیگران، پیشین، ص ۱۰۵، ۱۰۹.
۴۴. محمدحسن نجفی، *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*، تحقیق عباس قوچانی، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۳۵۹.
۴۵. کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۵۶.
۴۶. محمد فرد و دیگران، *همراه قرآن*، تهران: همراهان جوان، ۱۳۸۹، ص ۳۴۸.
۴۷. آل عمران (۳) آیه ۱۱۰.
۴۸. امیرکاوه، پیش فرض‌ها و اصول کلی نظارت اجتماعی، معرفت، ۱۳۷۸، شماره ۳۰، ص ۶۰.
۴۹. اعراف (۷) آیه ۳۳.
۵۰. همان، آیه ۱۵۷.
۵۱. حج (۲۲) آیه ۴۱.
۵۲. آل عمران (۳) آیه ۱۰۴.

۵۳. همان، آیه ۱۱۰.
۵۴. اعراف (۷) آیه ۱۵۷.
۵۵. فاطمه جان احمدی، «تحلیلی جامعه‌شناختی از نظارت اجتماعی در عصر نبوی»، نامه تاریخ پژوهان، ۱۳۸۵، شماره ۸ و ۹، ص ۲۲.
۵۶. کلینی، پیشین، ج ۸، ص ۱۴۳.
۵۷. قیامت (۷۵)، آیه ۲.
۵۸. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ هـ. ق، ج ۲۰، ص ۱۰۳.
۵۹. شیخ مفید، الامالی، تصحیح حسین ولی و علی اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ. ق، ص ۱۱۹.
۶۰. آل عمران (۳) آیه ۱۰۴.
۶۱. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۸ هـ. ق، ج ۱۲، ص ۱۷۹.
۶۲. محمد بن علی ابن بابویه، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۳۸.
۶۳. اعراف (۷) آیه ۱۶۵.
۶۴. توبه (۹) آیه ۷۱.
۶۵. جواد ایروانی و دیگران، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، چاپ چهارم، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۹۷.

۶۶. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، *تحف العقول*، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ هـ.

ق، ص ۲۳۷.

۶۷. کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۵۶.

۶۸. جواد ایروانی و دیگران، پیشین، ج ۲، ص ۱۹۸.

۶۹. ابن شعبه حرانی، پیشین، ص ۲۳۷.

۷۰. آل عمران (۳) آیه ۱۰۴.

۷۱. شیخ مفید، پیشین، ص ۲۷۸.

۷۲. کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۵۶.

۷۳. جواد ایروانی و دیگران، پیشین، ج ۲، ص ۱۹۹.

۷۴. کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۵۶.

۷۵. توبه (۹) آیه ۷۱.

۷۶. محمدفرد و دیگران، پیشین، ص ۳۴۸.

۷۷. *نهج البلاغه*، حکمت ۳۶۷.

۷۸. کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۵۹.

۷۹. *نهج البلاغه*، خطبه ۱۲۹.

۸۰. حسن بن محمد دیلمی، *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ هـ. ق.

ج ۱، ص ۱۸۳.

۸۱. *نهج البلاغه*، خطبه ۱۹۲.

۸۲. جواد ایروانی و دیگران، پیشین، ج ۲، ص ۲۰۰ - ۲۰۲.

۸۳. محمد علینی، سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱، ص ۲۸۳.
۸۴. جواد ایروانی و دیگران، پیشین، ج ۲، ص ۲۰۳.
۸۵. کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۵۹.
۸۶. محمدرضا جواهری، «چیستی و آثار تواکل در کلام امام رضا (علیه السلام)»، مجموعه مقالات برگزیده همایش بررسی جلوه‌های عملی و نظری امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۴ - ۱۹۸.
۸۷. علی تقی ایازی، پیشین، ص ۳۷.
۸۸. کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۵۶.
۸۹. اعراف (۷) آیه ۹۶.
۹۰. جواد ایروانی و دیگران، پیشین، ج ۲، ص ۲۰۳.
۹۱. مجلسی، بحار الانوار، بیروت: بی نا، ۱۴۰۳، ج ۹۷، ص ۹۴.
۹۲. هود (۱۱) آیه ۱۱۶ - ۱۱۷.
۹۳. کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۵۷؛ ابن بابویه، پیشین، ص ۲۷۱.
۹۴. محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۹ هـ. ق، ج ۱۶، ص ۱۳۶.
۹۵. ن.ک: شعراء (۲۶) آیه ۱۴۱ و ۱۵۸.
۹۶. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱.
۹۷. جواد ایروانی و دیگران، پیشین، ج ۲، ص ۲۰۵.

۹۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶.
۹۹. محمداسحاق مسعودی، پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات، تهران: چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۱.
۱۰۰. علی‌نقی ابازی، پیشین، ص ۴۶.
۱۰۱. جواد ایروانی و دیگران، پیشین، ج ۲، ص ۲۰۳.
۱۰۲. علی‌نقی ابازی، پیشین، ص ۴۶.
۱۰۳. یوسف (۱۲) آیه ۵۳.
۱۰۴. محمداسحاق مسعودی، پیشین، ص ۲۱۲.
۱۰۵. هنری لوکاس، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین زرین‌کوب، تهران: کیهان، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۰.
۱۰۶. احمدرضا بسیج و دیگران، پیشین، ص ۱۰۳.
۱۰۷. آل‌عمران (۳) آیه ۱۰۰، ۱۱۸، ۱۴۹ و ۱۵۹؛ نساء (۴) آیه ۱۴۴؛ مائده (۵) آیه ۵۱ و ۵۷.
۱۰۸. بقره (۲) آیه ۱۲۰.
۱۰۹. محمداسحاق مسعودی، پیشین، ص ۲۱۲ و ۲۱۳.
۱۱۰. علی‌نقی ابازی، پیشین، ص ۳۶.
۱۱۱. محمداسحاق مسعودی، پیشین، ص ۲۱۵.
۱۱۲. کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۵۷.
۱۱۳. توبه (۹) آیه ۶۷.
۱۱۴. یس (۳۶) آیه ۶۰.
۱۱۵. بقره (۲) آیه ۱۶۹ و ۲۶۸.
۱۱۶. نور (۲۴) آیه ۲۱.